



Pathology of the Agricultural Sector in the 2010s

Javad Mokhtari

PhD student in Agriculture, University of Tehran (Corresponding author).

mokhtary.m.j@gmail.com

0000-0000-0000-0000

Mahdi Abniki

Master's degree in Agriculture, Shahed University.

abniki024@gmail.com

0000-0000-0000-0000

Abstract

The agricultural sector has always played a vital role in the national economy, contributing significantly to food security, employment generation, and sustainable development. However, during the 2010s, this sector faced numerous transformations and challenges that adversely affected its productivity, sustainability, and efficiency. Statistical data indicate that, similar to the overall economy, the agricultural sector experienced a volatile growth trajectory, even recording negative growth in 2018 and 2021. The sector's average economic growth rate over the decade was approximately 3.7%. Additionally, the capital formation rate in agriculture followed a downward trend, declining from around 6–7% at the beginning of the decade to approximately 1% by 2021. Furthermore, agriculture's share of total capital formation remained low, averaging only 4% throughout the decade. Despite policy emphasis on self-sufficiency and national independence in agricultural production, as well as the need to support domestic farmers, data reveal a significant surge in agricultural imports. The volume of imports rose from 13,000 tons in 2011 to over 30,000 tons in 2021, marking a 2.5-fold increase. Government support for agriculture, particularly in the form of subsidies, did not follow a consistent trajectory. While annual subsidies increased from 1,700 trillion rials in 2011 to approximately 9,700 trillion rials in 2017, they sharply declined to around 1,000 trillion rials in 2020 and 2021—the lowest level in recent decades. Inflation in the agricultural sector also followed an upward trend, with producer inflation reaching approximately 64% in 2021. An analysis of the agricultural sector in the 2010s highlights key structural vulnerabilities and challenges, including low productivity and limited integration of scientific knowledge, an aging farming population, inadequate financing and investment, excessive government intervention in sectoral operations, unsustainable exploitation of natural resources, and the impact of climate change. In response, several strategic measures are proposed, including promoting agricultural and food exports, expanding arable land, achieving self-sufficiency in oilseeds, meat, and dairy production, enhancing education and training for scientific agricultural methods, integrating small farmlands, establishing agricultural training schools, focusing on rural development, and fostering industrial advancements in the agricultural sector.

Keywords: Agriculture, Environment, Food Security, 2010s



مقاله پژوهشی**آسیب شناسی بخش کشاورزی در دهه ۹۰ شمسی****جواد مختاری**

دانش آموخته دکترای کشاورزی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

mokhtary.m.j@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

مهدی آبنیکی

کارشناسی ارشد رشته کشاورزی، دانشگاه شاهد.

abniki024@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

چکیده:

بخش کشاورزی همواره به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشور، نقشی حیاتی در تأمین امنیت غذایی، اشتغال‌زایی و توسعه پایدار ایفا کرده است. در دهه ۹۰ شمسی، این بخش با تحولات و چالش‌های متعددی مواجه بود که موجب شد بهره‌وری، پایداری و کارآمدی آن دچار آسیب شود. آمارها نشان می‌دهد بخش کشاورزی همچون کل اقتصاد، مسیر رشد پر نوسانی را پشت سر گذاشته است تا جایی که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ رشد منفی را تجربه کرده است و متوسط رشد اقتصادی بخش کشاورزی در این دهه در حدود ۳/۷ درصد بوده است. همچنین نرخ تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی در دهه نود یک سیر نزولی را طی کرده است تا جایی که از نرخ‌های حدود ۶-۷ درصد به نرخ حدود ۱ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. از طرفی سهم کشاورزی از کل تشکیل سرمایه بسیار پایین بوده تا جایی که در دهه نود، سهم ۴ درصدی داشته است. علی‌رغم تأکید بر خودکفایی و استقلال کشور در موضوع محصولات کشاورزی و لزوم حمایت از کشاورزان داخلی، آمارها نشان می‌دهد در دهه نود، واردات محصولات کشاورزی رشد بسیار بالایی داشته است تا جایی که واردات ۱۳ هزار تن در سال ۱۳۹۰ با رشد ۲/۵ برابری در سال ۱۴۰۰ به عدد بیش از ۳۰ هزار تن در سال رسیده است. حمایت از بخش کشاورزی در قالب حمایت‌های یارانه‌ای روند خوبی را در دهه نود نداشته است. در سال ۱۳۹۰، حمایت سالانه ۱۷۰۰ همت به حدود ۹۷۰۰ همت در سال ۱۳۹۶ افزایش می‌باید اما در اواخر دهه نود یعنی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به حدود ۱۰۰ همت می‌رسد که کمترین میزان حمایت در دهه‌های اخیر بوده است. تورم در بخش کشاورزی روند صعودی داشته و در سال ۱۴۰۰، تورم تولیدکننده به حدود ۶۴ درصد نیز رسید. آسیب‌شناسی بخش کشاورزی در دهه نود نشان می‌دهد که عواملی همچون بهره‌وری پایین و نقش کم‌رنگ دانش، افزایش سن بهره‌برداران کشاورزی، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری پایین در بخش کشاورزی، تصدی‌گری دولت در امور اجرایی بخش کشاورزی، بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی و تغییرات اقلیمی از مهم‌ترین آسیب‌ها و چالش‌های بخش کشاورزی در دهه نود بوده است. از این‌رو راهبردهایی همچون توجه به صادرات محصولات کشاورزی و غذایی، توسعه زمین‌های کشاورزی، خودکفایی در دانه‌های روغنی، گوشت و لبنیات، آموزش و ترویج روش‌های علمی و استفاده از جوانان تحصیل کرده، یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی، مدارس تربیت کشاورز، تمرکز بر روستاها و توجه به پیشرفت صنعتی در حوزه کشاورزی پیشنهاد می‌شود.

واژگان اصلی: کشاورزی، محیط زیست، امنیت غذایی، دهه نود.

دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0



Doi: 10.22034/irsj.2025.503091.1102

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

بخش کشاورزی همواره به عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشور، نقشی حیاتی در تأمین امنیت غذایی، اشتغال‌زایی و توسعه پایدار ایفا کرده است. در دهه ۹۰ شمسی، این بخش با تحولات و چالش‌های متعددی مواجه بود که موجب شد بهره‌وری، پایداری و کارآمدی آن دچار آسیب شود. کاهش منابع آبی، تغییرات اقلیمی، پایین بودن سرمایه‌گذاری، ضعف در مدیریت منابع و مشکلات ساختاری، بخشی از معضلاتی است که در این دهه به وضوح قابل مشاهده بوده است.

آسیب‌شناسی بخش کشاورزی در این بازه زمانی به منظور شناسایی عوامل بازدارنده و ارائه راهکارهای علمی و عملی برای رفع موانع، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بررسی این موضوع می‌تواند در تدوین سیاست‌های کارآمد و توسعه پایدار بخش کشاورزی تأثیر به‌سزایی داشته باشد و بستر لازم برای ارتقای بهره‌وری و حفظ منابع طبیعی را فراهم کند. پرداختن به آسیب‌شناسی بخش کشاورزی در دهه ۹۰ شمسی، از چند منظر حائز اهمیت است:

امنیت غذایی: کشاورزی به عنوان تأمین‌کننده اصلی مواد غذایی، نقش کلیدی در حفظ امنیت غذایی جامعه دارد. کاهش بهره‌وری، کاهش سطح اراضی کشاورزی و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع طبیعی، امنیت غذایی را در این دهه به چالش کشیده است.

اقتصاد ملی و اشتغال‌زایی: بخش کشاورزی، سهم مهمی در تولید ناخالص داخلی و اشتغال‌زایی دارد. با این حال، در دهه ۹۰، ضعف سرمایه‌گذاری و ساختارهای ناکارآمد موجب کاهش سهم این بخش از اقتصاد ملی شده است. بررسی دقیق این چالش‌ها می‌تواند در بازآفرینی نقش کشاورزی در اقتصاد ملی مؤثر باشد.

حفظ منابع طبیعی: بهره‌برداری ناپایدار از منابع آب و خاک، به‌ویژه در شرایط تشدید تغییرات اقلیمی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به منابع طبیعی وارد کرده است. آسیب‌شناسی این روندها، پیش‌نیازی برای تدوین سیاست‌های حفظ منابع و مدیریت پایدار آن‌هاست.

توسعه پایدار: بخش کشاورزی نقش مهمی در تحقق توسعه پایدار دارد، اما ناتوانی در بهره‌گیری از دانش و فناوری‌های نوین، تولید دانش‌بنیان و توانمندسازی جوامع محلی، توسعه پایدار این بخش را با موانع جدی مواجه کرده است. توجه به این موضوع، در راستای دستیابی به اهداف بلندمدت توسعه ضروری است.

بخش کشاورزی ایران در دهه ۹۰ شمسی، درگیر چالش‌هایی ساختاری و مدیریتی شد که موجب کاهش توان این بخش در دستیابی به اهداف کلان شد. یکی از مسائل جدی، بهره‌وری پایین به دلیل استفاده سنتی از منابع و عدم نفوذ فناوری‌های نوین بود. این موضوع، در کنار رقابت بین بازیگران برای بهره‌برداری حداکثری از منابع طبیعی و نبود برنامه‌های جامع مدیریت منابع، پایداری بخش کشاورزی را تهدید کرد.

مشکل دیگر، کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشاورزی بود. سهم سرمایه‌گذاری در این بخش به‌طور قابل‌توجهی کمتر از نیاز واقعی و متناسب با سهم آن از تولید ناخالص داخلی بود. در نتیجه، پروژه‌های اساسی مانند یکپارچه‌سازی اراضی، توسعه صنایع تبدیلی و پایش منابع خاک و آب، به‌کندی پیش رفت. از سوی دیگر، پیچیدگی‌های نظام مالی و دشواری در تأمین اعتبارات لازم برای تولیدکنندگان و کارآفرینان، روند توسعه کشاورزی را با موانع بیشتری مواجه کرد.

علاوه بر این، تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های متوالی، سیلاب و کاهش سرانه منابع آبی، شرایط را برای تولید کشاورزی سخت‌تر کرد. ضعف سیاست‌گذاری در این زمینه و عدم هماهنگی بین نهادهای مرتبط، باعث شد برنامه‌های مقابله با بحران‌های اقلیمی به نتایج قابل‌توجهی دست نیابد. از جنبه اجتماعی، خروج نیروی کار جوان از بخش کشاورزی و پیری جمعیت کشاورزان، از دیگر مشکلاتی بود که در این دهه شدت گرفت. این روند، به دلیل نبود جذابیت اقتصادی و فقدان برنامه‌های حمایتی و تشویقی، باعث کاهش نیروی انسانی متخصص و توانمند در این حوزه شد.

به‌طور کلی، ضعف در بهره‌گیری از دانش بومی و فناوری‌های نوین، کاهش سرمایه‌گذاری، تغییرات اقلیمی و ناکارآمدی ساختارهای مدیریتی، مسائل کلیدی هستند که آسیب‌شناسی آن‌ها می‌تواند مسیر توسعه پایدار و بهبود بهره‌وری بخش کشاورزی را هموار کند. این پژوهش به دنبال آن است که ضمن ارائه مختصات کلی از وضعیت بخش کشاورزی در دهه نود، ضمن اشاره به آسیب‌ها و چالش‌های بخش کشاورزی، راهکارهای مؤثری برای ارتقای وضعیت بخش کشاورزی در کشور ارائه دهد. بر این اساس این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی ضمن ارائه وضعیت بخش کشاورزی و شاخص‌های مرتبط با آن در دهه ۹۰، آسیب‌ها و چالش‌های این بخش و الزامات و راهبردهای کلان این حوزه در منظومه

فکری آیت‌الله خامنه‌ای را ارائه می‌کند.

۱. پیشینه پژوهش

مطالعات مختلفی در حوزه آسیب‌شناسی بخش کشاورزی در ایران انجام شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ورمزیاری و اعلائی (۱۴۰۲) در گزارشی به بخش کشاورزی و منابع طبیعی در لایحه برنامه هفتم توسعه پرداختند. در این گزارش اشاره شده که مهم‌ترین ایراد این لایحه را می‌توان عدم ارتباط مناسب احکام پیشنهادی، با چالش‌های مبتلا به بخش کشاورزی و منابع طبیعی، ازجمله «پایین بودن بهره‌وری تولید»، «خردی، پراکندگی و تغییر کاربری اراضی»، «عدم توجه کافی به کیفیت و سلامت محصولات»، «فضای نامساعد کسب و کار و سرمایه‌گذاری»، «تصدی‌گری دولت در امور اجرایی»، «ساختار نامناسب بازار و ناپایداری زنجیره‌های ارزش» و «بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی» دانست. از طرفی، ضروری است الزامات مرتبط با برخی از احکام، مانند «فروش انفال و همچنین دارایی‌های بخش کشاورزی در قالب مولدسازی»، «صدور سند اراضی کشاورزی زیر حدنصاب فنی و اقتصادی» و «انتقال حمایت‌های دولتی بخش کشاورزی به انتهای زنجیره تولید»، در راستای بهبود اثربخشی و پیشگیری از بروز عواقب نامطلوب احتمالی اجرای آن‌ها، در لایحه درج شود. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که احکام مرتبط با بخش کشاورزی و منابع طبیعی در لایحه برنامه هفتم توسعه از قابلیت لازم برای تحقق امنیت غذایی و ارتقای تولید محصولات کشاورزی برخوردار نیستند.

به‌منظور تحقق جهش تولید در بخش کشاورزی و منابع طبیعی لازم است در اولین مرحله الگوهای تولید و نظام‌های بهره‌برداری به سمت مدیریت دانش‌بنیان و استفاده از دانش و فناوری‌های روز حرکت کند. به‌منظور افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیز لازم است دولت از طریق سیاست‌های حمایتی، نظیر اعطای تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی، تقویت نظام بیمه‌ای، تقویت بازار و کاهش حاشیه بازاریابی، مخاطرات طبیعی و اقتصادی موجود در این بخش را مدیریت کند. توسعه معاملات کالاهای کشاورزی در بورس و یکپارچه‌سازی سامانه‌های هوشمند کسب مجوزها برای فعالیت‌های مختلف کشاورزی نیز می‌تواند مقدمات بهبود محیط کسب و کار در این بخش را فراهم کند.

شمشادی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به آسیب‌شناسی سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی ایران پرداختند. در این گزارش نشان داده شده است که حمایت‌های قابل توجهی از مصرف‌کننده از طریق سرکوب قیمتی صورت گرفته است. همچنین در بعضی از گروه محصولات، وجود حاشیه قیمتی زیاد و ناعادلانه، هر دو بخش مصرف و تولید را متضرر کرده و حمایت از هر دو گروه منفی بوده است. تحلیل خبرگانی از ساختار حمایت از بخش کشاورزی ایران نیز ضرورت اصلاح و تغییر الگوی فکری و سیاست‌گذاری در این زمینه را آشکار می‌کند. لذا پیشنهاد می‌شود که سیاست غذای ارزان از اولویت تصمیم‌گیران خارج شده و دخالت دولت به سود تولیدکننده تغییر کند و درعین حال قدرت خرید مصرف‌کنندگان از طریق جبران دستمزد و پرداخت‌های مستقیم افزایش یابد. در ادامه به‌منظور حمایت از تولیدکننده، کاهش ریسک قیمت و افزایش دریافتی تولیدکنندگان از طریق تسهیلات بازاریابی در دستور کار قرار گیرد. حمایت از کشاورزان جوان نیز می‌تواند رونق بسیاری را برای بخش کشاورزی به همراه آورد. پرداخت‌های مستقیم به تولیدکننده، مشروط به کاهش در مصرف نهاده‌ها و یا مشارکت در طرح‌ها می‌تواند ضمن افزایش کارایی، اثربخشی سیاست را نیز بهبود دهد.

کشاورز و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به چالش‌های بخش کشاورزی کشور پرداختند. در این پژوهش به مواردی همچون نبود راهبردهای میان‌مدت و بلندمدت و عدم استمرار سیاست‌ها، نوسانات و میزان وابستگی امنیت غذایی به واردات، ناپایداری منابع کشاورزی، بالا بودن هزینه مبادله و پایین بودن رابطه مبادله بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌ها، عدم کفایت سرمایه‌گذاری و بالا بودن نرخ کارمزد، عدم تناسب جمعیت بهره‌برداران با ظرفیت‌های بخش کشاورزی و مهاجرت از مناطق روستایی، تغییرات اقلیم و تأثیرات آن بر کشاورزی، عدم حمایت از گسترش خصوصی‌سازی بخش کشاورزی، ناهماهنگی برنامه‌های آب و کشاورزی، بالا بودن هزینه تمام شده تولید و از دست رفتن تدریجی مزیت تولید در اغلب محصولات، نارسایی زنجیره تأمین و عدم تعادل عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی، پایین بودن بهره‌وری زمین، آب و انرژی، پایین بودن سرانه زمین و عدم استقرار نظام بهره‌برداری مناسب، محدودیت دسترسی فعالان بخش کشاورزی به تکنولوژی‌های مناسب و محدود شدن مقاصد صادراتی، تأثیر روابط سیاسی بر تجارت، عدم اطمینان صادرکنندگان در

انعقاد قراردادهای تجاری و مداخلات دولت در قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی پرداخته شده است.

بابائی (۱۳۹۹) در گزارشی به الزامات تحقق گام دوم انقلاب با تأکید بر بخش کشاورزی پرداخت. در این گزارش اشاره شده که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بخش کشاورزی نیز تغییر و تحولات شگرفی را تجربه کرد. دستاوردهای موفق و ناموفقی در این بخش به وجود آمده که در برخی شاخص‌ها به‌ویژه تولید و افزایش ضریب امنیت غذایی تا حد زیادی موفق عمل کرده است. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بخش کشاورزی ظرفیت‌های بالقوه‌ای در تحقق گام دوم انقلاب اسلامی دارد و در عین حال نیز با چالش‌های عدیده‌ای مواجه است؛ نظام بازاریابی ناکارآمد، عدم به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نبود ارتباط و تعامل هم‌افزا بین مراکز تحقیقاتی و بخش کشاورزی از این جمله است. در پایان راهکارهایی پیشنهاد شد که یکپارچه‌سازی سیاست‌گذاری توسعه روستایی و کشاورزی، مدیریت دانش‌بنیان کشاورزی، بهبود نظام بازاریابی از جمله آن‌ها است.

اعلانی و همکاران (۱۳۹۹) در گزارشی به موضوع جهش تولید و الزامات آن در حوزه‌های مختلف از جمله کشاورزی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد به‌منظور تحقق جهش تولید در بخش کشاورزی و منابع طبیعی لازم است در اولین مرحله الگوهای تولید و نظام‌های بهره‌برداری به سمت مدیریت دانش‌بنیان و استفاده از دانش و فناوری‌های روز حرکت کند. به‌منظور افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی نیز لازم است دولت از طریق سیاست‌های حمایتی، نظیر اعطای تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی، تقویت نظام بیمه‌ای، تقویت بازار و کاهش حاشیه بازاریابی، مخاطرات طبیعی و اقتصادی موجود در این بخش را مدیریت کند. توسعه معاملات کالاهای کشاورزی در بورس و یکپارچه‌سازی سامانه‌های هوشمند کسب مجوزها برای فعالیتهای مختلف کشاورزی نیز می‌تواند مقدمات بهبود محیط کسب و کار در این بخش را فراهم کند.

عسکری و محمدزاده (۱۳۹۸) در پژوهشی به نظام نوآوری کشاورزی و نقش دولت‌ها در توسعه و تقویت آن پرداختند. دولت‌ها با توجه به اجزای نظام نوآوری کشاورزی، علاوه بر نگهداری زیرساخت‌های دانش (مانند زیرساخت‌های علوم زیستی نظیر بانک ژن، مؤسسات تحقیقات کشاورزی، شبکه‌ها و قطب‌های علمی و پایگاه‌های داده) نقش مهمی را در هر دو

زمینه ایجاد و انتقال دانش ایفا می‌کنند که امکان تلاش‌های مشترک هم با بخش خصوصی و هم در سطح بین‌المللی را میسر می‌سازد. همچنین، دولت‌ها و جوامع بین‌المللی اهمیت نوآوری برای رشد پایدار بهره‌وری را به رسمیت شناخته و توافق کرده‌اند که نوآوری به‌منظور دستیابی به رشد بهره‌وری پایدار، از جمله از طریق تغییر سازمانی، همکاری متقابل بخش‌های اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی در تحقیق و توسعه، انتقال و پذیرش فناوری، آموزش و پرورش و خدمات مشاوره‌ای باید در اولویت قرار گیرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بخش دولتی همچنان منبع اصلی تأمین مالی تحقیق و توسعه کشاورزی چه در سازمان‌های دولتی یا خصوصی در سطح جهانی است.

علیزاده و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به شناسایی چالش‌ها و الزامات ترویج کشاورزی و آسیب‌شناسی وضع موجود نظام نوین ترویج کشاورزی ایران پرداختند. در این مقاله اشاره شده نظام ترویج کشاورزی ایران به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه کشاورزی، طی دو دهه ۸۰ و ۹۰ با چالش‌هایی مواجه بوده است؛ طوری که سبب شده است تا این نظام از سوی مسئولین، کارفرمایان و روستاییان مورد انتقاد باشد. به‌منظور حل مشکلات این نظام، طرح اصلاح ساختار نظام ترویج کشاورزی، در قالب رهیافت نوین ترویج، با هدف احیای خدمات ترویجی و انتقال مناسب یافته‌های تحقیقاتی و فناوری، مطرح شد؛ اما پس از گذشت چندین سال از اجرای این طرح، نتایج بررسی‌های متنوع، نشان دهنده فاصله زیاد میان وضع موجود و وضع مطلوب است. نتایج این مرحله مشخص نمود که این نظام در زمینه‌های مدیریت دانش، ارتباطات و توانمندسازی کارکنان موفق بوده ولی در زمینه‌های زیرساختی و نیروی انسانی ضعف داشته است.

هرچند مطالعات پراکنده‌ای درباره بخش کشاورزی انجام شده است اما تاکنون مطالعه با رویکرد آسیب‌شناسی بخش کشاورزی در دهه نود شمسی انجام نشده است و این پژوهش درصدد خلأ این موضوع است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. نقش کشاورزی در توسعه اقتصادی

بخش کشاورزی یکی از ارکان اصلی توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. طبق نظریه‌های

کلاسیک توسعه (Todaro & Smith, 2020)، کشاورزی به عنوان بخش اولیه اقتصاد، علاوه بر تأمین مواد غذایی، نقش مهمی در تأمین مواد خام برای صنایع، ایجاد اشتغال و بهبود تراز تجاری دارد.

کشاورزی به عنوان منبع اصلی تولید غذا، نقش مستقیم در کاهش فقر و بهبود سطح رفاه جامعه دارد. طبق گزارش بانک جهانی (World Bank, 2008)، افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی، تأثیر بیشتری بر کاهش فقر دارد. در کشورهای در حال توسعه، کشاورزی منبع اصلی درآمد و اشتغال برای جمعیت‌های روستایی است و با بهبود بهره‌وری، درآمد این گروه‌ها افزایش یافته و فقر کاهش می‌یابد.

بخش کشاورزی یکی از بزرگ‌ترین منابع اشتغال در جهان است. بر اساس آمار FAO (2017)، کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بیش از ۵۰ درصد نیروی کار را به خود اختصاص می‌دهد. اشتغال‌زایی در این بخش به‌ویژه برای زنان و نیروی کار غیرماهر، فرصتی برای تأمین معیشت و کاهش نابرابری‌های اقتصادی فراهم می‌کند.

کشاورزی به عنوان یک بخش اقتصادی، سهم قابل‌توجهی در تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورها دارد. هرچند با صنعتی‌شدن اقتصادها، سهم کشاورزی از GDP کاهش می‌یابد، اما این بخش همچنان در کشورهای در حال توسعه، نقش کلیدی ایفا می‌کند. بر اساس گزارش بانک جهانی (۲۰۰۸)، کشاورزی به‌طور متوسط ۴ درصد از GDP جهانی را تشکیل می‌دهد، اما در کشورهای کم‌درآمد این سهم به بیش از ۲۵ درصد می‌رسد.

کشاورزی نقش اساسی در تأمین مواد خام برای بسیاری از صنایع از جمله صنایع غذایی، نساجی، شیمیایی و دارویی ایفا می‌کند. توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی، ارزش افزوده محصولات کشاورزی را افزایش داده و موجب گسترش زنجیره‌های تأمین می‌شود. این امر نه تنها موجب افزایش درآمد کشاورزان می‌شود، بلکه به رشد اقتصادی کمک می‌کند (Porter, 1985).

محصولات کشاورزی یکی از منابع مهم صادراتی در بسیاری از کشورهاست. صادرات محصولات کشاورزی، به‌ویژه در کشورهایی که مزیت نسبی در تولید دارند، موجب ارزآوری و بهبود تراز تجاری می‌شود. ایران نیز با داشتن ظرفیت‌های فراوان در تولید محصولات استراتژیک مانند زعفران، پسته و خرما، می‌تواند با بهره‌گیری از سیاست‌های حمایتی و توسعه

زنجیره‌های ارزش، جایگاه خود را در بازارهای جهانی تقویت کند (FAO, 2020).

کشاورزی پایدار، از طریق حفظ منابع طبیعی، کاهش گازهای گلخانه‌ای و سازگاری با تغییرات اقلیمی، نقش کلیدی در تحقق اهداف توسعه پایدار (SDGs) ایفا می‌کند. برنامه‌ریزی برای مدیریت پایدار منابع آب و خاک، توسعه فناوری‌های نوین در کشاورزی و حمایت از جوامع محلی، می‌تواند نقش این بخش در توسعه پایدار را تقویت کند (UNDP, 2019).

در دهه ۹۰ شمسی، عملکرد بخش کشاورزی ایران با چالش‌های عمده‌ای نظیر کاهش بهره‌وری، محدودیت منابع آبی و مدیریت ناکارآمد منابع روبه‌رو بوده است که نیاز به بازبینی و اصلاح ساختارهای اقتصادی این بخش را برجسته می‌کند.

۲-۲. نظریه پایداری در کشاورزی

مفهوم کشاورزی پایدار، بر پایه سه رکن اصلی است؛ اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی (FAO, 2017). این نظریه بیان می‌کند که بهره‌برداری از منابع باید به‌گونه‌ای باشد که ضمن پاسخگویی به نیازهای نسل کنونی، توان پاسخگویی به نیازهای نسل‌های آینده نیز حفظ شود. کشاورزی پایدار به سیستمی از کشاورزی اشاره دارد که توانایی تولید مستمر غذا و محصولات کشاورزی را دارد، بدون آنکه منابع طبیعی تخریب شوند. کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه در گزارش معروف خود (WCED, 1987) کشاورزی پایدار را به‌عنوان سیستمی تعریف می‌کند که بتواند نیازهای نسل کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای رفع نیازهای خود برآورده کند.

بر اساس نظریه‌های موجود، اصول زیر از مهم‌ترین مبانی کشاورزی پایدار هستند (Pretty, 2008):

- ❖ حفاظت از منابع طبیعی: کشاورزی پایدار به دنبال حفظ خاک، آب و تنوع زیستی است؛
- ❖ افزایش بهره‌وری: هدف این نظریه، تولید حداکثری با کمترین استفاده از منابع است؛
- ❖ کاهش اثرات زیست‌محیطی: کاهش استفاده از مواد شیمیایی مضر و مدیریت پسماندهای کشاورزی از اصول کلیدی است؛
- ❖ توسعه اقتصادی و اجتماعی: تأمین معیشت پایدار برای کشاورزان و بهبود کیفیت

زندگی در مناطق روستایی بخشی از اهداف کشاورزی پایدار است. در دهه ۹۰، ضعف در مدیریت پایدار منابع آب و خاک، تغییرات اقلیمی و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع، از چالش‌های اصلی کشاورزی ایران بوده که با اصول این نظریه مغایرت داشته است.

۲-۳. نظریه اقتصاد نهادی و کشاورزی

نظریه اقتصاد نهادی به بررسی نقش نهادها در فرایندهای اقتصادی می‌پردازد و تأکید خاصی بر چگونگی تأثیر نهادها بر تصمیمات اقتصادی، منابع، توزیع ثروت و رشد اقتصادی دارد. این نظریه بر این باور است که ساختارهای نهادی، قوانین و مقررات به‌طور مستقیم بر رفتار اقتصادی تأثیر می‌گذارند و شایستگی‌های نهادی می‌توانند در بسیاری از بخش‌ها، از جمله کشاورزی، نقشی اساسی ایفا کنند (North, 1990).

نهادها به‌عنوان قواعد و مقررات اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شوند که رفتار افراد را در جامعه هدایت می‌کنند. این نهادها می‌توانند به‌صورت رسمی، مانند قوانین دولتی و سیاست‌های اقتصادی یا غیررسمی، مانند آداب و رسوم اجتماعی باشند. نهادها نقش مهمی در کاهش هزینه‌های تراکنش و تسهیل تبادل اقتصادی دارند. در حوزه کشاورزی، این نهادها شامل زمین، سیستم‌های مالکیت، قوانین حمایتی از کشاورزان، حمایت‌های دولتی و حتی نهادهای مالی برای تأمین سرمایه هستند (Williamson, 2000).

در کشاورزی، نهادهای اقتصادی به‌ویژه نهادهای مربوط به مالکیت زمین، قراردادهای کشاورزی، تأمین منابع مالی و سیاست‌های دولتی از اهمیت بالایی برخوردارند. تغییرات در این نهادها می‌توانند اثرات عمیقی بر بهره‌وری کشاورزی، توسعه پایدار و رفاه کشاورزان داشته باشند. به‌عنوان مثال، تضمین حقوق مالکیت به کشاورزان، امنیت غذایی و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را افزایش می‌دهد و در نتیجه تولیدات کشاورزی را بهبود می‌بخشد (Acemoglu et al, 2001).

نظریه اقتصاد نهادی می‌گوید که ساختار نهادهای اقتصادی و نقش دولت در تنظیم بازارهای کشاورزی می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر کارایی و پایداری کشاورزی داشته باشد. تحقیقات نشان داده است که نهادهای ضعیف و ناکارآمد می‌توانند مشکلاتی مانند فساد، نبود رقابت و کمبود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایجاد کنند (Barzel, 2002).

یکی از اصول مهم در نظریه اقتصاد نهادی، تأکید بر تغییرات نهادی است. تغییرات در نهادها، چه به‌طور طبیعی یا به‌واسطه سیاست‌گذاری‌های دولتی، می‌توانند باعث رشد یا رکود در بخش کشاورزی شوند. برای مثال، اصلاحات اراضی یا سیاست‌های حمایتی از کشاورزان می‌توانند باعث افزایش بهره‌وری شوند.

به‌طور خاص، در کشورهای در حال توسعه، نهادهای اقتصادی ضعیف می‌توانند مانع از استفاده بهینه از منابع کشاورزی شوند. در این زمینه، مطالعات اقتصاد نهادی به بررسی این می‌پردازند که چگونه نهادهای دولتی و غیر دولتی می‌توانند از طریق اصلاحات نهادی، شرایط مناسبی را برای توسعه کشاورزی فراهم کنند (Granovetter, 1985).

در دهه ۹۰ شمسی، ناکارآمدی در سیاست‌های حمایتی و عدم هماهنگی میان نهادهای دولتی و خصوصی، بخش کشاورزی ایران را در تحقق اهداف توسعه‌ای ناکام گذاشته است.

۲-۴. تأثیر سرمایه‌گذاری و تسهیلات مالی در کشاورزی

سرمایه‌گذاری یکی از عوامل کلیدی در بهبود بهره‌وری و توسعه کشاورزی است. بر اساس نظریه سرمایه‌گذاری در کشاورزی (World Bank, 2008)، تأمین زیرساخت‌ها، صنایع تبدیلی و حمایت از تولیدکنندگان می‌تواند موجب رشد این بخش شود.

سرمایه‌گذاری در کشاورزی به معنای تخصیص منابع مالی به منظور بهبود و افزایش تولیدات کشاورزی، ارتقای بهره‌وری و تضمین توسعه پایدار این بخش است. این نوع سرمایه‌گذاری می‌تواند شامل خرید ابزار و ماشین‌آلات کشاورزی، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آبیاری، تأسیس مراکز تحقیقاتی و آموزشی و حمایت از کشاورزان برای پذیرش تکنولوژی‌های نوین باشد (Pardey et al, 2010).

تسهیلات مالی که شامل وام‌ها، یارانه‌ها و سایر منابع مالی کم‌بهره یا بدون‌بهره است، می‌تواند بر توانمندی کشاورزان در تأمین سرمایه برای رشد و توسعه تولیداتشان تأثیر زیادی بگذارد. دسترسی به تسهیلات مالی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای کشاورزان است. اغلب کشاورزان به دلیل نبود تضمین‌های مالی یا ناتوانی در ارائه وثیقه، از دریافت وام و تسهیلات مالی محروم می‌شوند (Binswanger-Mkhize et al, 2012).

دولت‌ها می‌توانند با ارائه تسهیلات مالی، از جمله وام‌های کم‌بهره و یارانه‌ها، این موانع را برطرف کرده و شرایطی را برای کشاورزان فراهم کنند تا به راحتی به سرمایه‌های مورد نیاز

خود دست یابند و در نتیجه بهبود قابل توجهی در تولیدات کشاورزی حاصل شود. همچنین مؤسسات مالی نیز می‌توانند با طراحی محصولات مالی مناسب برای کشاورزان، کمک به بهره‌برداری بهتر از منابع و رشد پایدار کشاورزی نمایند (World Bank, 2013).

سرمایه‌گذاری و تسهیلات مالی می‌توانند تأثیر زیادی بر بهره‌وری کشاورزی داشته باشند. به‌ویژه در مواردی که کشاورزان از تکنولوژی‌های پیشرفته استفاده کنند، می‌توانند بهره‌وری خود را به‌طور چشم‌گیری افزایش دهند. ماشین‌آلات کشاورزی مدرن، روش‌های نوین آبیاری و استفاده از کودهای شیمیایی و بذره‌های مقاوم، نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه بالا هستند. تسهیلات مالی می‌تواند این سرمایه‌گذاری‌ها را تسهیل کند و کشاورزان را قادر سازد تا به این تکنولوژی‌ها دسترسی داشته باشند (Ogunniyi & Olagunju, 2012).

مطالعات مختلف نشان داده‌اند کشاورزانی که دسترسی به منابع مالی دارند، قادر به استفاده بهتر از فناوری‌های نوین، افزایش تولیدات کشاورزی و کاهش هزینه‌های تولید هستند. به‌عنوان مثال، استفاده از ماشین‌آلات مدرن و سیستم‌های آبیاری قطره‌ای می‌تواند به‌طور قابل توجهی کارایی منابع آبی را افزایش دهد و به بهره‌برداری بهینه از زمین‌های کشاورزی کمک کند (Bojnec & Ferto, 2009).

یکی از جنبه‌های مهم تأثیر تسهیلات مالی بر کشاورزی، ارتباط آن با توسعه پایدار است. در صورتی که تسهیلات مالی به‌درستی در بخش کشاورزی به‌کار گرفته شود، می‌تواند به کشاورزان کمک کند تا تولیدات خود را با توجه به استانداردهای زیست‌محیطی و پایداری افزایش دهند. به‌عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در روش‌های کشاورزی پایدار، همچون کشاورزی ارگانیک و روش‌های کشاورزی محافظتی، نیازمند تأمین منابع مالی مناسب است (FAO, 2011). تحقیقات نشان می‌دهند که تسهیلات مالی می‌تواند به کشاورزان در پذیرش تکنولوژی‌های سبز، کاهش مصرف کودها و سموم شیمیایی و حفظ منابع طبیعی کمک کنند. این امر در بلندمدت به حفظ منابع کشاورزی و کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی ناشی از کشاورزی کمک می‌کند (Pardey et al, 2010).

در دهه ۹۰، کمبود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران و محدودیت‌های مالی، مانع اصلی برای توسعه این بخش بوده است.

۲-۵. کشاورزی و امنیت غذایی در اسناد بالادستی

از آنجا که حوزه کشاورزی و امنیت غذایی از موضوعات بسیار مهم و حیاتی بوده است، علاوه بر قانون اساسی در بسیاری از اسناد بالادستی نظام نیز به آن اشاره شده است که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

جدول ۱: برخی از مهم‌ترین بندهای اسناد بالادستی مرتبط با کشاورزی و امنیت غذایی



ردیف	سند مربوطه	بندها
۱	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	اصل سوم بند ۱۳. الزام دولت به تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند این‌ها اصل چهل و سوم بند ۹. تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند با هدف تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان با حفظ آزادی
۲	سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴	بند ۴. برخورداری جامعه ایرانی از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب
۳	سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز	بند ۱۲. بهبود کیفیت زندگی، سلامت، امنیت غذایی، تربیت‌بدنی، رفع فقر و حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر و تحقق عدالت اجتماعی بند ۳۲. تأمین امنیت غذایی کشور با تأکید بر خودکفایی نسبی در تولید محصولات کشاورزی
۴	سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا)
۵	سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی	۱. توسعه پایدار کشاورزی با حفاظت از منابع طبیعی پایه و صیانت و توانمندسازی منابع انسانی ۲. تأمین امنیت غذایی با تکیه بر تولید از منابع داخلی و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی، ارتقای سطح سلامت مواد غذایی تا استاندارد جهانی، اصلاح و بهینه نمودن الگوی مصرف و حمایت مؤثر از تولید و صادرات در محصولات دارای مزیت‌های نسبی و ایجاد مزیت‌های جدید (از جمله هدفمند نمودن یارانه‌ها در جهت تولید و صادرات) ۳. اصلاح ساختار و نظام بهره‌برداری بخش کشاورزی با تشویق کشاورزان به رعایت اندازه‌های فنی - اقتصادی واحدهای تولیدی متناسب با نوع فعالیت و شرایط مختلف اجتماعی، اقتصادی و اقلیمی کشور و تأکید بر جهت‌گیری حمایتی دولت از این سیاست‌ها به‌ویژه در واگذاری منابع آب و خاک ۴. نوسازی نظام تولید کشاورزی بر مبنای دانش نوین و بومی‌سازی فناوری‌های روز، تربیت، حفظ و تجهیز نیروی انسانی مورد نیاز، توسعه و تقویت تعاونی‌ها و سایر تشکلهای اقتصادی، اجتماعی، صنفی و تخصصی با مشارکت آحاد جامعه و رقابتی نمودن فعالیت‌ها در بخ. ۵. ارتقای بهره‌وری از آب در تولید محصولات کشاورزی و استفاده علمی

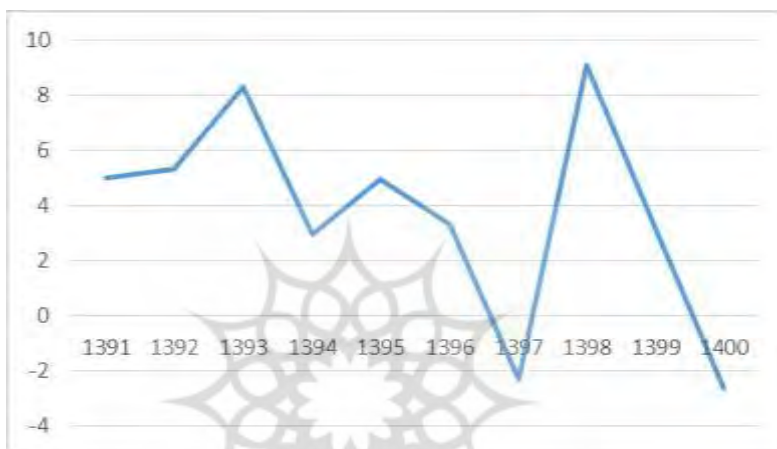
		و بهره‌برداری بهینه از سایر نهاده‌های تولید ۶. گسترش زیرساخت‌ها و ایجاد انگیزه برای جذب و توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با پوشش مناسب بیمه، کاهش احتمال زیان تولید، اجرای سیاست‌های حمایتی و متعادل کردن سطح سودآوری کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصادی ۷. حمایت مؤثر از ساماندهی فرایند تولید و اصلاح نظام بازار محصولات کشاورزی با هدف بهبود رابطه مبادله بخش با سایر بخش‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید، رعایت قیمت تمام‌شده محصولات اساسی، تأمین درآمد تولیدکنندگان و منافع مصرف‌کنندگان و بهبود کیفیت مواد و فرآورده‌های غذایی ۸. تخصیص یارانه هدفمند به بخش کشاورزی در جهت تحقق خودکفایی، حمایت از ساخت زیربناها، مراعات معیارهای زیست‌محیطی، قابلیت انعطاف در شرایط محیطی مختلف و ارتقای قدرت رقابت در بازارهای داخلی و بین‌المللی ۹. ارتقای سطح درآمد و زندگی روستاییان، کشاورزان و عشایر، توسعه پایدار روستاها و مناطق کشاورزی و رفع فقر با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید و تنوع‌بخشی و گسترش فعالیت‌های مکمل و اقتصادی به‌ویژه صنایع تبدیلی و روستایی و خدماتی نوین
۶	سیاست‌های کلی برنامه هفتم توسعه	۶. تأمین امنیت غذایی و تولید حداقل ۹۰ درصد کالاهای اساسی و اقلام غذایی در داخل، همراه با حفظ و ارتقای ذخایر ژنتیکی و منابع آبی و افزایش سطح سلامت و ایمنی مواد غذایی اصلاح الگوی کشت با توجه به مزیت‌های منطقه‌ای و منابع آبی و با اولویت‌بخشی به تولید کالاهای راهبردی کشاورزی ۷. استقرار نظام مدیریت یکپارچه منابع آب کشور و افزایش بهره‌وری حدود پنج درصدی آب کشاورزی کنترل و مدیریت آب‌های سطحی و افزایش منابع زیرزمینی آب از طریق آبخیزداری و آبخوان‌داری برنامه‌ریزی برای دستیابی به سایر آب‌ها و بازچرخانی آب‌های صنعتی و پساب

۳. وضعیت بخش کشاورزی در دهه نود

در این بخش به بررسی بخش کشاورزی در برخی از متغیرها پرداخته خواهد شد و روند این متغیرها در دهه نود مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱. رشد بخش کشاورزی

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد بخش کشاورزی همچون کل اقتصاد مسیر رشد پرنوسانی را پشت سر گذاشته است تا جایی که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ رشد منفی را تجربه کرده است و متوسط رشد اقتصادی بخش کشاورزی در این دهه در حدود ۳/۷ درصد بوده است. در نمودار ۱ رشد اقتصادی بخش کشاورزی در دهه نود نمایش داده شده است.



نمودار ۱: رشد اقتصادی بخش کشاورزی در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۳-۲. رشد موجود سرمایه در بخش کشاورزی

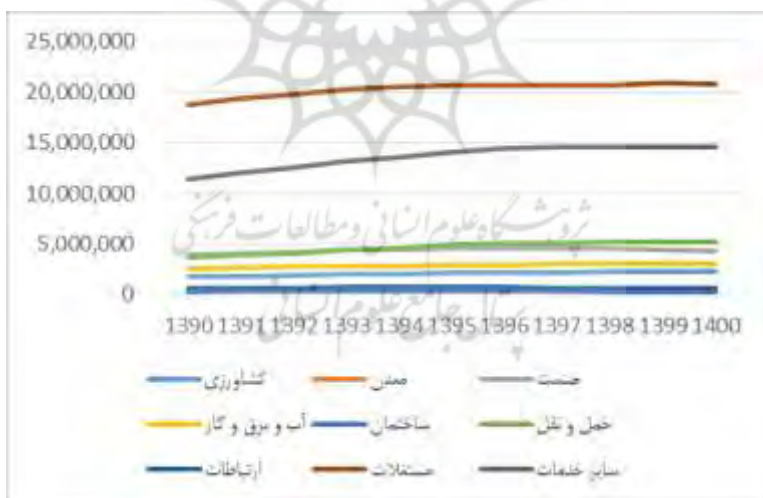
آمارها نشان می‌دهد نرخ تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی در دهه نود یک سیر نزولی را طی کرده است تا جایی که از نرخ‌های حدود ۶-۷ درصد به نرخ حدود ۱ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. در نمودار ۲ رشد موجودی سرمایه بخش کشاورزی در دهه نود نمایش داده شده است.



نمودار ۲: رشد موجودی سرمایه بخش کشاورزی در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

همچنین سهم کشاورزی از کل تشکیل سرمایه بسیار پایین بوده تا جایی که در دهه نود سهم ۴ درصدی داشته است و نتوانسته این سهم را افزایش دهد. در نمودار ۳ رشد موجودی سرمایه بخش‌های مختلف اقتصاد در دهه نود نمایش داده شده است.

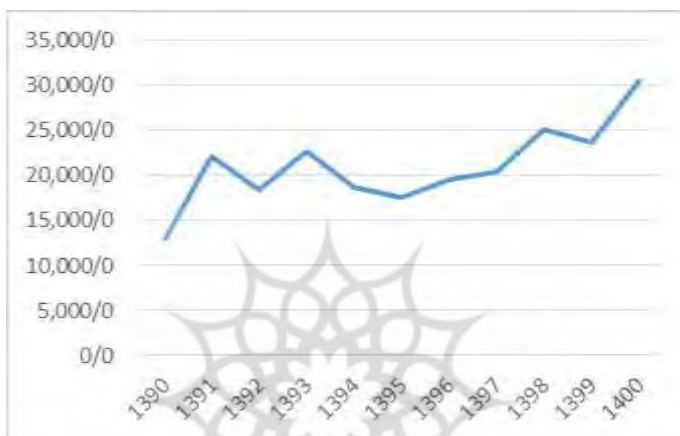


نمودار ۳: رشد موجودی سرمایه بخش‌های مختلف اقتصاد در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۳-۳. واردات محصولات کشاورزی

علی‌رغم تأکید بر خودکفایی و استقلال کشور در موضوع محصولات کشاورزی و لزوم حمایت از کشاورزان داخلی، آمارها نشان می‌دهد در دهه نود واردات محصولات کشاورزی رشد بسیار بالایی داشته است تا جایی‌که واردات ۱۳ هزار تن در سال ۱۳۹۰ با رشد ۲/۵ برابری در سال ۱۴۰۰ به عدد بیش از ۳۰ هزار تن در سال رسیده است. در نمودار ۴ واردات محصولات کشاورزی در دهه نود نمایش داده شده است.

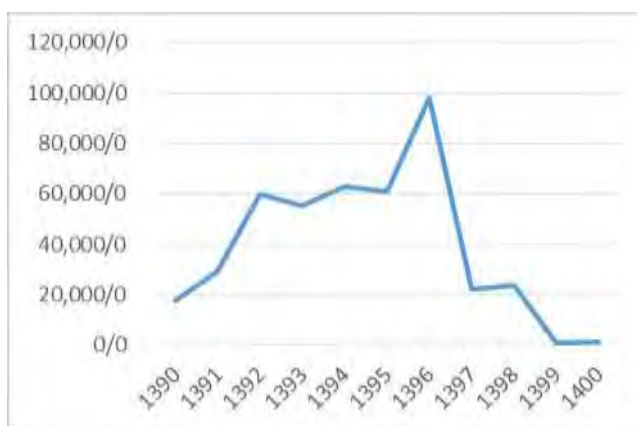


نمودار ۴: واردات محصولات کشاورزی در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۳-۴. یارانه‌ها و حمایت از بخش کشاورزی

حمایت از بخش کشاورزی در قالب حمایت‌های یارانه‌ای روند خوبی را در دهه نود نداشته است. در سال ۹۰ حمایت سالانه ۱۷۰۰ همت به حدود ۹۷۰۰ همت در سال ۱۳۹۶ افزایش می‌یابد اما در اواخر دهه نود یعنی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به حدود ۱۰۰ همت می‌رسد که کمترین میزان حمایت در دهه‌های اخیر بوده است. در نمودار ۵ حمایت دولت در قالب یارانه اقلام کشاورزی در دهه نود نمایش داده شده است.

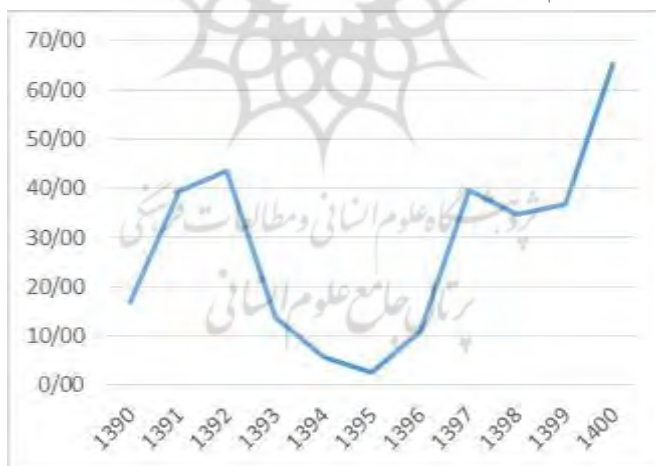


نمودار ۵: حمایت و یارانه اقلام کشاورزی در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۳-۵. تورم بخش کشاورزی

تورم در بخش کشاورزی همچون کل اقتصاد در دهه نود، عددهای بسیار بالایی را تجربه کرد به صورتی که روند صعودی داشته و در سال ۱۴۰۰، تورم تولیدکننده به حدود ۶۴ درصد نیز رسید. در نمودار ۶ تورم تولیدکننده در بخش کشاورزی در دهه نود نشان داده شده است.



نمودار ۶: تورم تولیدکننده در بخش کشاورزی در دهه نود

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۴. آسیب‌شناسی بخش کشاورزی در دهه نود

بخش کشاورزی در ایران با مشکلات و آسیب‌های فراوانی دست و پنجه نرم می‌کند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد (ورمزیاری و اعلائی، ۱۴۰۲).

۴-۱. بهره‌وری پایین و نقش کم‌رنگ دانش

وابستگی کشور به واردات محصولات استراتژیک و افزایش آسیب‌پذیری در این حوزه را می‌توان تا حد زیادی به بهره‌وری پایین تولید در بخش کشاورزی نسبت داد که خود ناشی از نفوذ محدود دانش و فناوری در این بخش است. عدم حضور گسترده دانش‌آموختگان کشاورزی در این صنعت و نبود برنامه‌ای مشخص برای جوان‌سازی نیروی کار، باعث تداوم روش‌های سنتی در تولید کشاورزی شده است.

یکی از دلایل اصلی این عقب‌ماندگی، نادیده گرفتن الزامات تولید دانش‌بنیان در کشاورزی است. این موضوع منجر شده تا فرایند تولید بسیاری از محصولات استراتژیک کشاورزی با کارایی بسیار پایین‌تر از استانداردهای جهانی انجام شود. بر اساس آمار نیروی کار مرکز آمار ایران، در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰، سهم دانش‌آموختگان کشاورزی شاغل در این حوزه هرگز از ۱۸ درصد فراتر نرفته است (مرکز آمار ایران، نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، ۱۴۰۱). این آمار نشان‌دهنده خروج قابل توجه متخصصان این حوزه از بخش کشاورزی است. علاوه بر این، کاهش چشم‌گیر کشاورزان زیر ۴۰ سال نیز نگرانی دیگری است. بین دو سرشماری کشاورزی در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۹۳، این نسبت از ۲۸/۵ درصد به ۲۲ درصد کاهش یافته است که نشان‌دهنده روند پیری نیروی کار کشاورزی است (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۳).

در کنار این چالش‌ها، نبود ارتباط مؤثر میان دانشگاه‌ها و وزارت جهاد کشاورزی در زمینه تحقیقات کاربردی نیز معضلی دیگر است. این خلأ ارتباطی باعث شده تا تحقیقات کشاورزی بین وزارت علوم و سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی دچار موازی‌کاری‌های غیرضروری شود و از هدفمندی و اثربخشی لازم برخوردار نباشد. برای غلبه بر این موانع، تمرکز بر تقویت ارتباط میان دانش و کشاورزی، جذب دانش‌آموختگان جوان و استفاده از فناوری‌های نوین در تولید کشاورزی از اهمیت بالایی برخوردار است.

۲-۴. افزایش سن بهره‌برداران کشاورزی

یکی از چالش‌هایی که بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران با آن مواجه هستند، کاهش سن بهره‌برداران و یا همان کشاورزان است. در حال حاضر میانگین سن کشاورزان ایران به ۵۵ سال رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳) که نشان دهنده آینده نامشخص برای تأمین نیروی کار و بهره‌بردار در این حوزه می‌باشد. افزایش سن بهره‌برداران در کنار نشان دادن خطر در تأمین نیروی انسانی برای آینده این زمینه کاری، موجب کاهش انعطاف و تطبیق‌پذیری با دانش روز شده و در مقابل افزایش بهره‌وری چالش‌های جدی ایجاد می‌کند. همچنین کاهش نرخ ورود دانشجویان به رشته‌های کشاورزی و کاهش ورود دانش آموزان به هنرستان‌های کشاورزی، نشان از روند رو به رشد این چالش است.

۳-۴. تأمین مالی و سرمایه‌گذاری پایین در بخش کشاورزی

یکی از چالش‌های اساسی در بخش کشاورزی، پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری است که مانع از توسعه زیرساخت‌های ضروری این حوزه شده است. این کمبود سرمایه‌گذاری، تأثیرات منفی زیادی بر امنیت غذایی کشور گذاشته و پیشرفت فعالیت‌های کلیدی همچون یکپارچه‌سازی اراضی، پایش خاک‌های کشاورزی و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی را کند کرده است.

بر اساس آمارها، سهم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی همواره کمتر از سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی بوده است. به‌طور متوسط، طی ۱۵ سال گذشته، سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی ۸/۴ درصد بوده، درحالی‌که سهم آن از سرمایه‌گذاری ناخالص تنها ۴/۹ درصد بوده است. این شکاف، در سال‌های اخیر عمیق‌تر شده و نشان‌دهنده بی‌توجهی به ظرفیت‌های بالقوه این بخش حیاتی است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹).

مشکلاتی که کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان کشاورزی در تأمین منابع مالی با آن مواجه هستند نیز به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در این حوزه دامن زده است. بانک‌ها و مؤسسات مالی با اعمال شرایط سخت‌گیرانه و عدم درک کافی از پیچیدگی‌های تولید در کشاورزی و نواحی روستایی، عملاً دسترسی به تسهیلات مالی را دشوار کرده‌اند. کارمزدهای بالا، نبود دوره تنفس مناسب برای بازپرداخت و فرایندهای پیچیده استعلام، همگی موانعی

جدی برای توسعه کسب و کارهای کشاورزی و روستایی به شمار می‌روند. برای رفع این چالش‌ها، اصلاح نظام تأمین مالی متناسب با ماهیت پرریسک کشاورزی، تسهیل در ارائه تسهیلات و حمایت از سرمایه‌گذاران در این بخش ضروری است. تنها از این طریق می‌توان توسعه زیرساخت‌ها، ارتقای بهره‌وری و تقویت امنیت غذایی کشور را تضمین کرد.

۴-۴. تصدی‌گری دولت در امور اجرایی بخش کشاورزی

یکی از اصول مهم قانونی، واگذاری وظایف تصدی‌گری به تشکلهای مرتبط است. با این حال، عملکرد وزارت جهاد کشاورزی و برخی از نهادهای تابعه در این زمینه طی سال‌های اخیر قابل قبول نبوده است. یکی از دلایل این ناکامی، ضعف در توانمندسازی تشکلهای کشاورزی و روستایی بوده است.

این تشکلهای در حوزه‌هایی نظیر مدیریت زنجیره ارزش، ورود به بازار سرمایه، بورس و توسعه بازارهای صادراتی نیز با مشکلات جدی مواجه‌اند. عدم آمادگی و توان کافی این سازمان‌ها باعث شده است تا نتوانند به‌خوبی از ظرفیت‌های خود برای اجرای وظایف تصدی‌گری در بخش کشاورزی استفاده کنند.

برای رفع این چالش‌ها، لازم است برنامه‌ریزی جامعی برای تقویت مهارت‌ها و توانمندسازی تشکلهای کشاورزی صورت گیرد. این اقدام، نه تنها به بهبود مدیریت زنجیره ارزش و توسعه صادرات کمک می‌کند، بلکه می‌تواند نقش مؤثری در کاهش وابستگی به دستگاه‌های دولتی و افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و روستایی داشته باشد.

۴-۵. بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی

منابع طبیعی نقشی کلیدی در تقویت تولید و ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی ایفا می‌کنند. با این حال، در سال‌های اخیر بهره‌برداری از این منابع با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده است. تغییرات اقلیمی و نبود مدیریت اصولی، پایداری این منابع را به خطر انداخته‌اند. یکی از مشکلات اساسی در این حوزه، رقابت میان بازیگران و ذی‌نفعان مختلف برای بهره‌برداری بیش از ظرفیت منابع طبیعی است. این رقابت ناپایدار، فشار زیادی بر منابع وارد کرده و به

کاهش کارایی و تخریب آن‌ها منجر شده است.

علاوه بر این، نبود سازوکارهای مناسب برای ایجاد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی درآمدزا که هم‌زمان اصول پایداری و سازگاری با تغییرات اقلیمی را رعایت کنند، از دیگر چالش‌های اصلی است. استفاده از مشارکت جامعه محلی و بهره‌گیری از دانش‌آموختگان متخصص، می‌تواند راهکاری مؤثر برای مدیریت پایدار منابع طبیعی باشد و به بهبود شرایط اقتصادی زیست‌محیطی کمک کند. ضرورت دارد با تدوین برنامه‌هایی جامع و پایدار، ضمن حفظ منابع طبیعی، از ظرفیت‌های آن برای تولید و اشتغال به شکلی متعادل و اصولی استفاده شود.

۶-۴. تغییرات اقلیمی

تغییرات اقلیمی یکی از چالش‌های تأمین امنیت غذایی برای ایران و جهان می‌باشد. وقوع گرمایش زمینی چه تحت تأثیر طوفان‌های خورشیدی و چه تحت تأثیر افزایش گازهای گلخانه‌ای چالش‌هایی را ایجاد کرده است. این گرمایش موجب تشدید پدیده‌های حدی چون سیل و خشکسالی شده است. به نحوی که این حوادث با شدت و دفعات بیشتری نسبت به قبل رخ می‌دهند. همچنین این گرمایش، موجب تغییر الگوی بارش کشور گردیده و حجم بارش‌ها از برف به سمت باران رفته است. تغییر رژیم بارش و همچنین تشدید وقوع و شدت خشکسالی‌ها و سیلاب‌ها ایجاب می‌کند تا رویکردهای متفاوت و متناسبی نسبت به آبخیزدار، تبخیر و نگه داشت آب صورت گیرد.

همچنین این تغییرات اقلیمی موجب تغییراتی در فصول شده است که این مسئله ایجاب می‌کند تا جدول زمانی کشاورزی و الگوی کشت در ایران مورد بازنگری قرار گرفته و متناسب با شرایط جدید وفق پیدا کند.

۵. الزامات و راهکارهای بهبود بخش کشاورزی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود به راهبردها و سیاست‌هایی در حوزه کشاورزی برای توسعه این بخش رهنمون داشته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود؛

۱-۵. توجه به صادرات محصولات کشاورزی و غذایی

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نه تنها در حوزه کشاورزی، نباید واردات صورت بگیرد بلکه به

اندازه‌ای باید رشد و توسعه پیدا کند که به صادرات محصولات کشاورزی کشور برسد. «ما به کشاورزمان می‌گوییم تلاش کنید تا امنیت غذایی برای کشور به وجود بیاورید؛ اما به مسئولانمان می‌گوییم این پایان کار نیست؛ ما بایستی به صادرکنندگان این محصولات تبدیل شویم؛ ما باید بتوانیم دیگران را بهره‌مند کنیم. این کار، کار دستگاه‌های گوناگون دولتی است که وسایلش را فراهم کنند؛ ما می‌توانیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴).

۲-۵. توسعه زمین‌های کشاورزی

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، زمین رکن اساسی برای توسعه کشاورزی است و باید برای توسعه زمین‌های کشاورزی برنامه‌ریزی کرد. «در زمین هم همین‌طور هستیم. من در گزارش‌ها خوانده‌ام که ما امروز اندکی بیش از هجده میلیون هکتار زمین قابل کشت داریم؛ در بخش‌های مختلف: دیمی و آبی و باغی و ... که این مقدار می‌تواند به سی میلیون هکتار افزایش پیدا کند؛ یعنی نزدیک به دو برابر. من در بعضی از بخش‌های این کشور - در مسافرت‌هایی که کرده‌ام - زمین‌هایی را دیده‌ام که با «کار» می‌توانند تبدیل بشوند به زمین‌های قابل کشت. ما خیلی امکانات در این کشور داریم. ما یک کشور به معنای حقیقی کلمه غنی هستیم و این «غنا» را مردم باید حس کنند؛ از این غنا باید استفاده کنند. به زارع می‌توانیم بگوییم روی این زمین، خوب و با شیوه علمی کار کن و محصول به دست بیاور؛ چیز دیگری در اختیار او نیست؛ ولی این مسئولین هستند که بایستی نظام این کار را طراحی کنند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴).

۳-۵. خودکفایی در دانه‌های روغنی، گوشت و لبنیات

امنیت غذایی یکی از ارکان قدرت یک کشور محسوب می‌شود لذا توجه به امنیت غذایی و خودکفایی در کالاهای اساسی در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای بسیار نمایان است. «کشور ما مستعد است. دیدید سال گذشته به حمدالله بارندگی خوبی شد و کشور تقریباً در تولید گندم خودکفا گردید. این همان چیزی بود که من تأکید می‌کردم و به حمدالله مسئولان، خودکفایی گندم را دنبال کردند. البته گندم یکی از مواد لازم ماست؛ در بقیه مواد لازم مثل لبنیات، روغن و گوشت هم باید کشور کاملاً خودکفا و غنی شود و بتواند این محصولات را صادر کند. ما

باید این مسئله را دنبال کنیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴).

۴-۵. آموزش و ترویج روش‌های علمی و استفاده از جوانان تحصیل کرده

استفاده از روش‌های علمی در بخش کشاورزی بیش از همیشه نیاز است. از آنجا که در زنجیره تولید کشاورزی، ارزش افزوده بسیار کمی در ایران شکل گرفته است، آیت‌الله خامنه‌ای تأکید ویژه‌ای به آموزش و بالأخص افراد تحصیل کرده در بخش کشاورزی تأکید دارند. «بخش آموزش کشاورزی و ترویج و استفاده از دانش موجود دنیا در دانشگاه‌های ما و فرستادن جوان‌ها برای کمک به روستایی‌ها، جزو کارهای بسیار مهم است. البته به همه روستاییان و همه کشاورزان و کسانی که دست‌اندرکار کشاورزی‌اند، توصیه می‌شود که از این جوانان مطلع و خبره در کار کشاورزی استقبال کنند» (بیانات در دیدار کشاورزان، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴).

۵-۵. یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی

همان‌طور که گفته شد زمین در بخش کشاورزی نقش بسیار اساسی دارد و مهم‌تر از آن، عدم خرد کردن زمین و استفاده از زمین‌های وسیع برای بالابردن بازدهی نسبت به مقیاس نیز بسیار اهمیت دارد که آیت‌الله خامنه‌ای بر آن تأکید ویژه‌ای دارند؛ «یکی از چیزهایی که به کشاورزی استان و پیشرفت کشاورزی ضربه زده و مشکل به وجود آورده، کوچک شدن منابع درآمدی زمینی است؛ یعنی زمین‌ها تقسیم شده؛ یکی از طرح‌های مهمی که از دولت‌های قبل مورد نظر بود و بنده رویش تأکید می‌کردم، این است که بتوانند این منابع زمینی کشاورزی را یکپارچه‌سازی کنند تا این کمک کند به این که کشاورزی بشود صنعتی؛ کشاورزی مدرن، کشاورزی با آلات پیشرفته؛ این یکی از چیزهای مهم است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۵).

۶-۵. مدارس تربیت کشاورز

تربیت نیرو نقش کلیدی را در توسعه هر بخش دارد و تربیت نیرو در بخش کشاورزی نیز اهمیت بالایی دارد و می‌تواند موجبات توسعه بیش از پیش را به ارمغان آورد. «مسئله تأسیس

دبیرستان‌های تربیت کشاورز بسیار نکته جالبی است. البته در اینجا دانشکده کشاورزی وجود دارد؛ لیکن تربیت دیپلمه‌هایی که در دوران تحصیل، فهم کشاورزی و شوق کشاورزی در آن‌ها باشد، بسیار مهم است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۴/۱۹).

۷-۵. تمرکز بر روستاها

با توجه به تغییرات بافتاری در مناطق شهری و روستایی و بالا رفتن مهاجرت از روستا به شهر، لازم است اقداماتی برای ماندگاری و مهاجرت معکوس صورت بگیرد. از مهم‌ترین اقدامات، انتقال صنایع تبدیلی به روستا است که هم وضعیت درآمدی روستاییان را افزایش می‌دهد و هم هزینه نهایی تولید کشاورزی را کاهش می‌دهد و هم از خالی شدن روستاها جلوگیری می‌کند. «یک مسئله اساسی که این عمده‌تاً [مربوط به] وزارت کشاورزی است - متنها فقط کار وزارت کشاورزی نیست - تمرکز بر روستا است؛ یعنی واقعاً این را یکی از بخش‌های اساسی برنامه‌ریزی دولت باید قرار داد؛ ما متمرکز بشویم روی روستا؛ حرفش را در سال‌های مختلف خیلی زده‌ایم اما این کار عملاً اتفاق نیفتاده. ما بایستی صنایع تبدیلی را به روستاها ببریم، به بعضی از شهرها ببریم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴).

۸-۵. توجه به پیشرفت صنعتی در حوزه کشاورزی

از مصائب بخش کشاورزی در ایران، سستی بودن آن است که موجب شده بازدهی نسبت به مقیاس آن پایین باشد. به همین دلیل نقش دانش‌بنیانی شدن بخش کشاورزی و پیشرفت صنعتی در آن بسیار موضوعیت دارد که آیت‌الله خامنه‌ای بارها درباره آن تذکر داشته‌اند. «کشاورزی هم که برای ما خیلی اهمیت دارد و از نظر من یک رکن اساسی قوام و حیات کشور ما است، بستگی دارد به صنعت. پیشرفت کشاورزی جز با پیشرفت صنعتی ممکن نیست؛ یعنی من که رو صنعت تکیه می‌کنم، این نفی بخش کشاورزی نباید به حساب بیاید. این در واقع تأیید و کمک پیشرفت مجموعی کشور است که از جمله بخش کشاورزی هم در آن هست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۱/۰۹).

جمع‌بندی و پیشنهاد

بخش کشاورزی همواره به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد کشور، نقشی حیاتی در تأمین امنیت غذایی، اشتغال‌زایی و توسعه پایدار ایفا کرده است. در دهه ۹۰ شمسی، این بخش با تحولات و چالش‌های متعددی مواجه بود که موجب شد بهره‌وری، پایداری و کارآمدی آن دچار آسیب شود. کاهش منابع آبی، تغییرات اقلیمی، پایین بودن سرمایه‌گذاری، ضعف در مدیریت منابع و مشکلات ساختاری، بخشی از معضلاتی است که در این دهه به‌وضوح قابل مشاهده بوده است.

آسیب‌شناسی بخش کشاورزی در این بازه زمانی به‌منظور شناسایی عوامل بازدارنده و ارائه راهکارهای علمی و عملی برای رفع موانع، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بررسی این موضوع می‌تواند در تدوین سیاست‌های کارآمد و توسعه پایدار بخش کشاورزی تأثیر به‌سزایی داشته باشد و بستر لازم برای ارتقای بهره‌وری و حفظ منابع طبیعی را فراهم کند.

آمارها نشان می‌دهد بخش کشاورزی همچون کل اقتصاد مسیر رشد پرنوسانی را پشت سر گذاشته است تا جایی که در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ رشد منفی را تجربه کرده است و متوسط رشد اقتصادی بخش کشاورزی در این دهه در حدود ۳/۷ درصد بوده است.

همچنین نرخ تشکیل سرمایه در بخش کشاورزی در دهه نود یک سیر نزولی را طی کرده است تا جایی که از نرخ‌های حدود ۶-۷ درصد به نرخ حدود ۱ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. از طرفی سهم کشاورزی از کل تشکیل سرمایه بسیار پایین بوده تا جایی که در دهه نود سهم ۴ درصدی داشته است.

علی‌رغم تأکید بر خودکفایی و استقلال کشور در موضوع محصولات کشاورزی و لزوم حمایت از کشاورزان داخلی، آمارها نشان می‌دهد در دهه نود واردات محصولات کشاورزی رشد بسیار بالایی داشته است تا جایی که واردات ۱۳ هزار تن در سال ۱۳۹۰ با رشد ۲/۵ برابری در سال ۱۴۰۰ به عدد بیش از ۳۰ هزار تن در سال رسیده است.

حمایت از بخش کشاورزی در قالب حمایت‌های یارانه‌ای روند خوبی را در دهه نود نداشته است. در سال ۹۰ حمایت سالانه ۱۷۰۰ همت به حدود ۹۷۰۰ همت در سال ۱۳۹۶ افزایش می‌یابد اما در اواخر دهه نود یعنی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به حدود ۱۰۰ همت می‌رسد که کمترین میزان حمایت در دهه‌های اخیر بوده است.

تورم در بخش کشاورزی روند صعودی داشته و در سال ۱۴۰۰، تورم تولیدکننده به حدود ۶۴ درصد نیز رسید.

آسیب‌شناسی بخش کشاورزی در دهه نود نشان می‌دهد که عواملی همچون بهره‌وری پایین و نقش کم‌رنگ دانش، افزایش سن بهره‌برداران کشاورزی، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری پایین در بخش کشاورزی، تصدی‌گری دولت در امور اجرایی بخش کشاورزی، بهره‌برداری ناپایدار از منابع طبیعی، تغییرات اقلیمی از مهم‌ترین آسیب‌ها و چالش‌های بخش کشاورزی در دهه نود بوده است.

ازاین‌رو راهبردهایی همچون توجه به صادرات محصولات کشاورزی و غذایی، توسعه زمین‌های کشاورزی، خودکفایی در دانه‌های روغنی، گوشت و لبنیات، آموزش و ترویج روش‌های علمی و استفاده از جوانان تحصیل‌کرده، یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی، مدارس تربیت کشاورز، تمرکز بر روستاها و توجه به پیشرفت صنعتی در حوزه کشاورزی پیشنهاد می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- اعلائی بروجنی، پژمان؛ فرنام، علی؛ عبدلی، محمدرضا؛ حمیدپور زارع، سارا؛ طلوعی، ذبیح اله؛ خسروی، خسرو؛ اعظمی، علی؛ ورمزیاری، حجت؛ رازانی، بهروز (۱۳۹۹). درباره جهش تولید (۲) الزامات آن در حوزه‌های کشاورزی، مسکن، حمل و نقل و توسعه روستایی، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۰۶/۰۴). بیانات در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت هفته دولت.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۱۰/۱۴). بیانات در دیدار با جهادگران و کشاورزان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۱۰/۱۴). بیانات در دیدار با کشاورزان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳/۰۴/۱۹). بیانات در دیدار با مسئولان و نخبگان استان همدان.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۰۷/۲۵). بیانات در اجتماع نخبگان و مسئولان استان خراسان شمالی.
- عسکری بزایه، فاطمه؛ محمدمزاده، رؤیا (۱۳۹۸). نظام نوآوری کشاورزی و نقش دولت‌ها در توسعه و تقویت آن. علوم و فناوری اطلاعات کشاورزی، ۲(۱).
- علیزاده، ندا؛ علی پور، حسن؛ نیکویی، علیرضا؛ حاجی میرحیمی، سید داود؛ بخشی جهرمی، آرمان؛ حسن‌پور، بهروز (۱۳۹۷). شناسایی چالش‌ها و الزامات ترویج کشاورزی و آسیب‌شناسی وضع موجود نظام نوین ترویج کشاورزی ایران. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۴(۲).
- کشاورز، عباس؛ فکاری سردهایی، بهزاد؛ بیکی اعظم، خسروی، عبدالرحیم؛ فارسی، محمدمهدی؛ ملکیان، راحله؛ نژندعلی، عاطفه (۱۴۰۰). مجموعه اسناد مرتبط با سند ملی و راهبردی تحول امنیت غذایی؛ چالش‌های بخش کشاورزی کشور، نشر آموزش (مؤسسه آموزش و ترویج کشاورزی)، تهران.
- ورمزیاری، حجت؛ اعلائی بروجنی، پژمان (۱۴۰۲). بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه (۹۱): بخش کشاورزی و منابع طبیعی، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس.
- Albaladejo, Francisco & Ríos, Ana-María & Benito, Bernardino. (2017). Factors Explaining Public Participation in the Central Government Budget Process. Australian Journal of Public Administration.
- World Bank. (2008). World Development Report: Agriculture for Development. Washington, D.C.
- FAO. (2017). The future of food and agriculture – Trends and challenges. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations.

- FAO. (2020). FAO Statistical Yearbook. Rome: Food and Agriculture Organization.
- Porter, M. E. (1985). *Competitive Advantage: Creating and Sustaining Superior Performance*. Free Press.
- UNDP. (2019). *Sustainable Development Goals Report*. United Nations Development Programme.
- Todaro, M. P. & Smith, S. C. (2020). *Economic Development*. Pearson.
- FAO. (2017). *The future of food and agriculture – Trends and challenges*. Rome: Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change, and Economic Performance*. Cambridge University Press.
- IPCC. (2021). *Climate Change 2021: The Physical Science Basis*. Intergovernmental Panel on Climate Change.
- Porter, M. E. (1985). *Competitive Advantage: Creating and Sustaining Superior Performance*. Free Press.
- Chambers, R. (1983). *Rural Development: Putting the Last First*. Longman.
- World Bank. (2008). *World Development Report: Agriculture for Development*. Washington, D.C.
- WCED (World Commission on Environment and Development). (1987). *Our Common Future*. Oxford University Press.
- Pretty, J. (2008). *Sustainable Agriculture and Food: Theoretical Perspectives*. Earthscan.
- North, D. C. (1990). *Institutions, Institutional Change, and Economic Performance*. Cambridge University Press.
- Williamson, O. E. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3), 595-613.
- Barzel, Y. (2002). A Theory of the State: Economic Governance and Institutional Change. Cambridge University Press.
- Acemoglu, D, Johnson, S, & Robinson, J. A. (2001). The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation. *American Economic Review*, 91(5), 1369-1401.
- Granovetter, M. (1985). Economic Action and Social Structure: The Problem of Embeddedness. *American Journal of Sociology*, 91(3), 481-510.
- Binswanger-Mkhize, H. P, Deininger, K, & Feder, G. (2012). The Role of Land Reform in Agricultural Development. *World Bank Research Observer*, 27(2), 233-259.
- Bojnec, S, & Ferto, I. (2009). The Role of Investment in Agricultural Productivity in the New EU Member States. *Eastern European Economics*, 47(5), 57-76.
- FAO (2011). *The State of the World's Land and Water Resources for Food and Agriculture: Managing Systems at Risk*. Food and Agriculture Organization of the United Nations.
- Ogunniyi, L. T, & Olagunju, F. I. (2012). Access to Credit and Productivity of Small-Scale Farmers in Nigeria. *International Journal of Agriculture and Rural Development*, 15(2), 967-973.
- Pardey, P. G, Alston, J. M, & Piggott, R. R. (2010). *Agricultural R&D in the Developing World: Too Little, Too Late*. International Food Policy Research Institute (IFPRI).
 - World Bank (2013). *Agriculture for Development: World Bank Group Agriculture Action Plan 2013–2015*. World Bank.